

تأملی بر مفهوم اشغال فرهنگی و برنامه درسی سایه یا زیر زمینی

دکتر کورش فتاحی واجارگاه

استاد دانشگاه شهید بهشتی

هویت ملی به عنوان شایستگی ها و خصوصیات متاثر از وابستگی ها و پیوندهای تاریخی و فرهنگی، معرف مردمان یک مرز و بوم است. کشور ایران یک جامعه ریشه دار تاریخی و دارای فرهنگی متکثر و برخوردار از تنوع نژادی و قومی گسترده ای است. اقوام ساکن در ایران نظیر لر، بلوچ، ترکمن، عرب، کرد و فارس که بعضاً دارای پیوندهای عمیق با سرزمین های همسایه ایران هستند، کشوری ناهمگون را شکل داده و فرصت ها و تهدیدهای بالقوه ای را ایجاد کرده اند.

وجود این تنوع، بسترساز نوآوری ها، تبدلات فرهنگی، نوسازی اجتماعی و غنی سازی فرهنگی کشور است. در عین حال ماهیت سلوک و تعامل دولت ها با این تنوع به نوبه خود بحران هایی را در گذر زمان ایجاد کرده است. فرایند سرکوب قومیت ها در طی دوران قبل از انقلاب و تلاش برای همانند سازی در راستای ایجاد ملتی یکدست، برخاسته از ناسیونالیسم افراطی جای خود را به تسامح و شنیدن صدای اقوام و فرهنگ های مختلف در قوانین و اسناد بالادستی و سیاست های کلان کشور در دوران پس از انقلاب داد. اما در دهه های اخیر حاکمیتی نوعی "نگرش و رویکرد امنیتی" به قومیت در ایران به جای "رویکرد فرهنگی"، سبب شده است که تنش ها و مناقشه های قومی در برخی از نواحی به منصف ظهور برسد و یا از استعداد کافی برای رشد تفکرات تجزیه طلبانه برخوردار باشد.

این بیان به معنای آن نیست که قومیت مقوله ای امنیتی نیست چه آنکه همواره یکی از راههای تهدید کشور از سوی دولت های متخاصم، تقویت جریانهای قومیتی و مناقشات نژادی است. ناآرامی ها در دهه های اخیر در کردستان، شورش های مسلحانه در سیستان و بلوچستان، ترویج تفکرات پان ترکیسم در آذربایجان، مناقشات در مناطق عرب نشین جنوب، تغییر اقلیمی و جمعیتی مناطق مرزی زاهدان، و ... به موازات تلاش های هر چند ناقص و ناکافی دولت مرکزی در اعطای آزادی و اختیار بیشتر در مناطق محلی، امری نگران کننده و تهدید کننده است. نمونه اعطای آزادی و حکومت محلی به کردستان در نظام فدرالایته در عراق و تلاش برای تجزیه این کشور نشان داد که تنها با اقدامات سیاسی، اقتصادی و اداری - مدیریتی نمی توان ملیت و هویت ملی یک کشور را حفظ کرد و گرایش به تشکیل حکومت های نژادی (به عنوان امری واپس گرایانه و نژاد پرستانه در دوران معاصر) همچنان به قوت خود باقی است.

نوشتر حاضر برآن است تا با تاسی از رویکرد فرهنگی در نگاه به تنوع قومی در ایران، نقش و جایگاه تعلیم و تربیت و برنامه های درسی را به عنوان فرصتی برای یادگیری و زیست در کشور چند فرهنگی به دانش آموزان و دانشجویان و تمرین دموکراسی و احترام به تنوع در عین وحدت در هویت ملی را مورد بحث قرار دهد.

مطالعات و پژوهش های متعددی توسط اندیشمندان برجسته حوزه آموزش چند فرهنگی نظیر کامرون مک کارتی، جیمز بنکس، مایکل اپل، پیت مک لارن، ریچارد هاجر، گلی رضایی رشتی و غیره دستاوردهای قابل توجی را در راستای تبیین مفهوم آموزش و زیست چند فرهنگی در سطح جهان به همراه داشته است.

دامنه مطالعات انجام شده در ایران در این زمینه غیر منجم و تا حد زیادی ناکافی بوده است. مطالعاتی که توسط نویسندگان به همراه همکاران (عراقیه ۱۳۹۱ و ۱۳۸۹، سام خانیان ۱۳۹۰، حمیدی زاده ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷) انجام شده است، بیانگر آن است که در برنامه های درسی مدارس در کتاب ها و آموزش های رسمی، قومیت ها از جایگاه مناسبی برخوردار نیست و این غفلت در پاره ای از موارد موجبات سرخوردگی و تحقیر فرهنگی و به حاشیه رانده شدن را به دنبال دارد. یادگیری غیر رسمی و پنهان نیز شاید با شدت بیشتری این نارسایی را تشدید می کند.

چنین رویه ای حتی در مورد هویت ملی نیز کم و بیش فرایند و دستاوردهای مشابهی را به دنبال داشته است. برنامه درسی در کلیت خود انعکاسی از هویت ملی و بیانگر تاریخ و تمدن این سرزمین نیست. به گونه ای که می توان برای توصیف وضعیت موجود در برنامه های درسی مدارس، از "قهر با گذشته تاریخی" و یا "انقطاع تاریخی" استفاده کرد. در یکی از مطالعات انجام شده نشان داده شده است که برای مثال عملکرد دانشجویان نسبت به پرچم به عنوان نماد هویت ملی یک جامعه، در وضعیت مطلوبی قرار ندارد (سام خانیان، ۱۳۹۰) صرف نظر از رفتارهای اولیا و مسئولان نسبت به پرچم و برافراشته کردن پرچم های آلوده و غبار گرفته در مدارس و دانشگاهها، برخلاف مردمان بسیاری از ممالک جهان که پرچم را بر سر در خانه های خود به اهتزاز در می آورند و به آن افتخار می کنند، دانش و اطلاعات دانشجویان از پرچم کشور ایران در سطح پایینی قرار داشته است.

فقدان یک حرکت منسجم برای توسعه و شکل گیری و تعمیق بخشیدن به هویت ملی که موجب تضعیف روحیه ملی و وطن پرستی از یکسو و گسترش رسانه های اجتماعی تعاملی و انعکاس آداب، رسوم و ارزش های سرکوب شده قومیتی و نژادی غفلت شده در مدارس در این رسانه ها، بستر تنش های جدیدی در آینده در حوزه ملیت - قومیت در ایران خواهد بود. باور اصلی این مقاله آن است که درک ماهیت و تاثیرات چنین مناقشه ای در کشور ایران مستلزم آن است که در کنار رویکرد امنیتی، تمرکز اصلی باید بر توسعه و کاربست رویکرد فرهنگی (به

تأملی بر مفهوم اشغال فرهنگی و برنامه درسی سایه یا زیر زمینی

معنای بسترسازی برای احترام به تنوع نژادی و قومیتی در چارچوب هویت ملی در ایران (در نظام آموزشی کشور باشد).

ویژگی ها و نشان های اشغال فرهنگی در برنامه درسی

اشغال تنها شکل و قالب نظامی و امنیتی نداشته، بلکه در هیئت ملی سازی در جای جای این سرزمین قابل ملاحظه بوده و کمتر مورد توجه اندیشمندان به ویژه در سطح کشور قرار گرفته است. همانطور که سرزمین اشغال می شود، سرزمین فرهنگی و نهادهای فرهنگ محور نظیر مدرسه و برنامه های درسی هم میتوانند اشغال شوند. یعنی در جامعه ای که دارای خرده فرهنگ ها و اقوام مختلف است، هنگامی که اشاعه فرهنگ ملی گستره سرزمینی اش زیاد باشد و به مرزهای جغرافیای فرهنگی مناطق احترام نگذارد و یا فرصت ظهور و عرض اندام ندهد عملاً اشغال فرهنگی رخ میدهد.

ویژگی های اشغال فرهنگی

۴	عدم علاقه و همدلی جامعه میزبان	۱	اشغال از طریق اعمال قدرت نرم یا سخت و علیرغم نارضایتی جامعه محلی میزبان
۵	تقویت حس به حاشیه رانده شدن تحقیر اتنفر	۲	تعارض در منافع فرهنگ غالب و میزبان و به نفع فرهنگ اشغال کننده
۶	بی تفاوتی، مقاومت، براندازی	۳	عدم پای بندی به قوانین متعارف

در یک برداشت دقیق تر این نشانه ها به قرار زیر نیز می توانند تبیین و برشمرده شوند:

• تبلیغ فرهنگ برتر و تاراج فرهنگی قومی و به حاشیه راندن آنها در رسانه های

آموزشی،

• تحریف یا بیان نادرست یا ناکافی یا غیرمنصفانه از وقایع و رخدادهای تاریخی

• تمسخر و انتقاد و واکنش های نامناسب از مظاهر فرهنگی نظیر غذا یا سبک پوشش و

به رسمیت نشناختن آنها در محیط های آموزشی

- بی توجهی و عدم امکان طرح و بیان تاریخ، موسیقی و لباس و غذای محلی
- پاکسازی تاریخی یک قوم یا نژاد از سرزمین فرهنگی اش از طریق نادیده انگاشتن یا مجال ندادن برای طرح هویت قومی به بهانه قویت فرهنگ یکپارچه و منسجم
- عدم پذیرش زبان قومی به عنوان زبان رسمی محیط های آموزشی در کنار زبان ملی
- عدم بازتاب و اشاعه نام های محلی در رسانه ها و محیط های آموزشی و ترویج اسامی مورد نظر در فرهنگ غالب و تغییر ذائقه مردم در این زمینه، همچنین عدم استفاده از نام محله ها و خیابان ها و کوچه های محلی با هدف ایجاد تغییر و تحولات فرهنگی.
- مصادره به خود نقاشی ها، موزیک ها، ترانه ها، شعرها، کتاب ها، کتابخانه ها و تمام آثار هنری و فنی برجای مانده از فرهنگ قومی خوشبینانه است که تصور کنیم اتخاذ چنین رویه ای موجب تقویت فرهنگ ملی و دینی کشور خواهد شد.

تبعات اشغال فرهنگی

در سطح جامعه وقتی انسداد فرهنگی بوجود می آید و جدایی طلبی ترویج می شود، از لحاظ تربیتی شرایطی در نظام تربیتی رخ می دهد که از آن می توان تحت عنوان: برنامه درسی سایه *Shadow Curriculum* و برنامه درسی زیر زمینی *Underground Curriculum* نام برد. برنامه درسی سایه یا زیر زمینی در حقیقت آموخته ها و یادگیری هایی است که عملا وجود دارد اما از سوی برنامه درسی رسمی مشروع تلقی نمی شود.

در مقایسه با برنامه درسی پنهان (که معمولاً در خصوص آن باور بر این است که در خوانش و برداشت سنتی همه آموخته هایی که از دید طراحان و مجریان و یادگیرندگان جملگی پنهان است و در قرائت جدید یا نئومارکسیستی نه از دید طراحان بلکه از دید یادگیرندگان و احتمالاً مجریان پنهان است) برنامه درسی زیر زمینی بسان موسیقی زیر زمینی، هنر زیرزمینی، دولت سایه و یا باورهایی در مورد قومیت و نژاد است که وجود دارد و همه از آن اطلاع دارند و در صورت مورد پرسش قرار گرفتن، احتمالاً از بیان و دفاع از آن ابایی ندارند و اما از سوی نظام رسمی مشروع شناخته نمی شود اگرچه دلبستگی نسبت به آن زیاد و مورد اقبال عمومی هم باشد.

این مفهوم مبتنی بر نظریه مقاومت در نظریه سیاسی و انتقادی برنامه درسی است و چالشی تمام عیار برای برنامه درسی مستقر تلقی می شود. همه ما از وجود موسیقی زیر زمینی آگاه هستیم ولی مشروعیت ندارد. برنامه درسی سایه *shadow curriculum* برنامه ای است که در کنار برنامه درسی رسمی شکل گرفته و نمی توان وجود آن را انکار کرد و یکی از نمونه های بارز تجلی آن در بحث قومیت و ملیت در دوران معاصر ایران است، امری که باید مورد بررسی و کنکاش جدی قرار گیرد. برنامه درسی که طراح، مجری و یادگیرنده می دانند که هست

تأملی بر مفهوم اشغال فرهنگی و برنامه درسی سایه یا زیر زمینی

و کسی انکار نمی کند که نیست و اگر مورد پرسش قرار گیرد خود را نشان می دهد و اگر فکری برای آن نشود، زمینه ساز مقاومت و خنثی شدن برنامه درسی رسمی می شود. برنامه درسی زیر زمینی در حقیقت آن نوع از برنامه درسی است که در مقابل برنامه درسی رسمی قد علم می کند ولی همانند برنامه درسی رسمی وجاهت قانونی ندارد، اگر چه محبوب است و مقبولیت گسترده ای در جامعه آموزشی و محلی برخوردار است. اگرچه مورد اقبال است و چه بطور جدی مورد توجه است اما از رسمیت برخوردار نیست. اما در عمل اثرگذاری و عمق آن از برنامه درسی رسمی بیشتر است.

در رابطه با تنش قومیت و ملیت چاره ای جز حرکت به سمت موازنه بین وحدت و کثرت در برنامه درسی نیست. یعنی هم باید بپذیرفت که یادگیرندگان ایرانی باشد و هم باید بپذیرفت که آن قومی که در آن رشد می کنند را با افتخار بیان و عرضه کنند. به عبارت دیگر باید صداهای آنها شنیده شود. پست مدرن ها از واژه ای به نام تربیت صدا استفاده می کنند یعنی اینکه صدای فرهنگ غالب باید کمی آرام شود تا صدای فرهنگ های دیگر شنیده شود. هنری ژيرو در این رابطه می گوید باید کمی مرزها را پاس بداریم. این از طریق شهروند با هویت دوگانه یا دوزیست یا چند زیست امکان پذیر است. در مورد هویت دوگانه میتوان از هویت های گیلکی- فارسی، کرد- ایرانی برای مثال نام برد. هنر تعلیم تربیت این است که افراد را طوری تربیت کند که در مکانی بین این دو بایستد و به صدای هر دوی اینها گوش دهد و این امکان پذیر نیست مگر اینکه تربیت چند فرهنگی در دستور کار نظام آموزشی باشد.

منابع:

حمیدی زاده، کتابون. ۱۳۹۷. طراحی الگوی برنامه درسی دوره ی متوسطه با رویکرد چند فرهنگی. پایان نامه چاپ نشده دکتری دانشگاه شهید بهشتی

حمیدی زاده، کتابون، فتحی و اجارگاه، کورش، عارفی، محبوبه و مهران، گلنار ۱۳۹۶. آموزش چند فرهنگی: تحلیل نظامند ادراک معلمان. فصلنامه تدریس پژوهی. دوره ۵، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۶.

سام خانیانی، اسحاق ۱۳۹۰ بررسی رفتار نسبت به پرچم در بین دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی. پایان نامه چاپ نشده کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی

عراقیه، علیرضا ۱۳۸۹ بررسی جایگاه قومیت در برنامه های مدارس متوسطه ایران. پایان نامه چاپ نشده دکتری دانشگاه آزاد اسلامی خوراسگان اصفهان

عراقیه، علیرضا. و فتحی و اجارگاه، کورش ۱۳۹۱ جایگاه چندفرهنگی در نظام آموزش مدرسه ای و آموزش عالی. فصلنامه راهبرد فرهنگ. شماره ۱۸ و ۱۹. بهار و تابستان ۱۳۹۱.